

تجدیدی‌ها و مردودی‌ها

پیش‌بینی‌ها و پیش‌گیری‌ها

اساسی و حل این معضل - که در واقع بحرانی جدی در نظام آموزشی جامعه اسلامی ایران است - می‌باشد، بحرانی که قابل پیش‌بینی، پیش‌گیری و کنترل می‌باشد.

زمانی که در برخی کشورها به محض مشاهده افت تحصیلی بیش از ۳ تا ۵ درصد در مقاطع ابتدایی و راهنمایی، ستاد بحران در دستگاه آموزش و پرورش تشکیل می‌شود تا مسأله افت تحصیلی کودکان و نوجوانان را به طور جامع مورد بررسی قرار دهند و راه‌حل‌های مؤثری برای پیش‌گیری و جبران ارائه کنند، چگونه است که مسئولان و کارگزاران فرهنگی و نظام آموزشی کشور ما پس از سال‌ها مشاهده افت چشمگیر تحصیلی در میان دانش‌آموزان و اذعان به درصد فوق‌العاده مردودی در مقطع راهنمایی، به رغم علاقه‌مندی و تمهد و دلسوزی‌شان هنوز اقدام کارساز و اثربخشی در این مورد مهم انجام نداده‌اند؟^۲

در اوایل مهرماه امسال معاون محترم و دلسوز آموزشی اداره کل آموزش و پرورش استان تهران در گفت‌وگو با خبرنگار یکی از روزنامه‌های صبح تهران^۳ اظهار نموده‌اند که در سال تحصیلی گذشته (۷۸-۱۳۷۷)، ۳۹ درصد دانش‌آموزان پایه سوم دوره راهنمایی افت

همه ساله درصد قابل توجهی از دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به دلایل گوناگون با ناکامی‌های تحصیلی مواجه می‌شوند و با تجدید و مشروط شدن ایشان در برخی از درس‌ها و یا مردودی در یک سال تحصیلی، علاوه بر تحمیل خسارت‌های چشمگیر اقتصادی بر صندوق مالی دولت و بودجه خانواده، زمینه پدیدآیی بسیاری از مشکلات رفتاری، فشارهای روانی، اختلالات عاطفی و نابهنجاری‌های اجتماعی فراهم می‌شود.

به عنوان نمونه برخی مطالعات و بررسی‌های انجام شده^۱ در زمینه افت تحصیلی، حکایتگر این واقعیت است که شمار زیادی از دانش‌آموزان مقطع راهنمایی همه ساله در خرداد یا شهریورماه مردود می‌شوند و در بعضی مناطق آموزشی کشورگاه عده دانش‌آموزان مردودی نزدیک به ۳۰ درصد کل دانش‌آموزان پایه تحصیلی مورد نظر اعلام می‌گردد.

درصد فوق‌العاده چشمگیر تجدیدی‌ها و مردودی‌ها در نظام آموزشی کشورمان بیانگر ضرورت توجه ویژه به این امر مهم، ریشه‌یابی

هدایت و حمایت از این نوجوان که به دلایل گوناگون از جمله محدودیت در حوزه شناختی، ظرفیت هوشی و عدم تناسب سطح دشواری دروس با قدرت یادگیری او از ادامه تحصیل در مدرسه محروم می‌ماند، با چه کسی است؟ چرا فقط خانواده، مگر این نوجوان در سنین مدرسه^۵ (۶ تا حدود ۲۰ سال) قرار ندارد؟ پدر و مادر برای این نوجوان رانده شده از نظام آموزشی کشور و ناآشنا با فرایند اشتغال مفید و تولید مؤثر در شهری هم‌چون شهر بزرگ تهران چه کنند و به نیازهای روانی، عاطفی و اجتماعی این نوجوان چگونه پاسخگو باشند؟ اوقات آزاد و فراغت بسیار این نوجوان را چگونه باید پر نمایند؟ از چه سازمان و نهادی و از چه کسانی و چگونه راهنمایی، مساعدت و مشاورت بپذیرند؟ چگونه نوجوانی را که با دنیایی از آرمان‌ها و اندیشه‌ها و استعدادهاى نهفته از حضور در نظام آموزشی کشور و همراه بودن با همسالان خود محروم شده است، درخانه،

تحصیلی داشته‌اند. بر همین اساس و بنا بر قول مشارالیه میزان افت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی در مدارس شهر تهران در سال تحصیلی (۱۳۷۶-۷۷) حدود ۴۰ درصد و در سال تحصیلی (۱۳۷۵-۷۶) قریب به ۵۰ درصد^۴ بوده است.

به رغم کاهش اندک در روند افت تحصیلی در این مقطع در سال‌های اخیر، آن هم در شهر تهران، به لحاظ اتخاذ برخی تدابیر آموزشی و غیره، متأسفانه باید اذعان داشت که این میزان افت تحصیلی در مقطع راهنمایی، آن هم در شهری مانند تهران با این همه امکانات گسترده آموزشی نسبت به بسیاری از شهرها و روستاهای کشور، فوق‌العاده چشمگیر و غیرعادی است و ترسیمگر ساختار بیمارگونه نظام آموزشی کشور می‌باشد. به یقین این قبیل آمارها در برخی از مناطق محروم به مراتب بیشتر است.

بدون تردید همه ساله بسیاری از تجدیدی‌ها مردود می‌شوند و جمعی از مردودی‌ها نیز برای دومین بار مردود می‌گردند!! و این گروه بحرانی‌ترین وضعیت را پیدا می‌کنند.

زمانی که نوجوان ۱۴-۱۵ ساله‌ای در مقطع راهنمایی دوسال پی در پی در یک پایه تحصیلی مردود می‌شود، در موقعیت و وضعیت روانی - اجتماعی بسیار حاد و دشواری قرار می‌گیرد.

چنین نوجوانی امروز دیگر در مدرسه جایی ندارد و نگرش خانواده هم نسبت به وی عموماً منفی و غیرحمایتی است. او حرفه‌ای نیاموخته و برای شغل خاصی آماده نشده است. برای پسرها زمان اعزام به خدمت سربازی نیز فرا رسیده است، پس چه باید کرد؟ مسؤلیت



آموزش و پرورش، به ویژه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی قرارگیرد.

واقعیت این است که برنامه‌های آموزشی موجود در مقطع راهنمایی، تراکم و حجم کتاب‌های درسی، ساعات تدریس و بسیاری از روش‌های انتقال مطالب آموزشی، با ویژگی‌های ذهنی، شناختی و اشتباهی یادگیری درصد بسیاری از فراگیران این مقطع متناسب نیست.

صرف قبولی در پایه‌های پنج‌گانه ابتدایی و موفقیت در کلاس پنجم ابتدایی نمی‌تواند لزوماً ملاک ادامه تحصیل موفقیت‌آمیز و مجوز ورود به مقطع راهنمایی تلقی شود، چرا که بسیاری از کودکانی که دوره ابتدایی را با تلاش زیاد و کسب نمرات قبولی به پایان می‌رسانند، موفق به اتمام دوره راهنمایی نمی‌شوند.

مطالعات انجام شده در زمینه ویژگی‌های شناختی، هوش، استعداد، ظرفیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مردودی در پایه‌های مختلف مقطع راهنمایی و بررسی وضعیت تحصیلی ایشان در دوره ابتدایی بیانگر این حقیقت است که بیش از ۹۰ درصد دانش‌آموزانی که با معدل کمتر از ۱۳ از مقطع ابتدایی، در پایه اول دوره راهنمایی ثبت‌نام می‌کنند، در دوره مذکور با افت تحصیلی قابل ملاحظه، تجدیدی و مردودی مواجه می‌شوند. هم چنین غالب دانش‌آموزانی که با بهره هوشی کمتر از ۹۰ وارد دوره راهنمایی می‌شوند، در پایه‌های مختلف این دوره با تجدیدی‌های مکرر و مردودی‌های پی در پی روبه‌رو می‌گردند.

به عبارت دیگر نتایج حاصل از انجام مطالعات میدانی درباره علل زیستی، شناختی،

محل، کوچه و خیابان، در تنهایی و در جمع، روزها و شب‌ها و حتی در کارگاه‌ها و فروشگاه‌ها از آسیب‌های فردی و اجتماعی و کژروی‌های اقتصادی مصون بدارند؟

با کمال تأسف باید اذعان نمود که درصد قابل توجهی از نوجوانان مردودی و رانده شده از نظام آموزشی کشور، بالاخص در مقطع راهنمایی که با سنین نوجوانی و دوران حساس بلوغ ملازم است، با آسیب‌پذیری‌های گوناگون و بزه‌کاری‌های اجتماعی، به جمع بزه‌کاران کانون‌های اصلاح و تربیت افزوده می‌شوند.^۶

به یک معنا ما نیز به طور غیرمستقیم با اخراج یا رها ساختن نوجوان مردودی سن راهنمایی از محیط مدرسه، در هموار نمودن راه کژروی و حضور پیدا کردن برخی از نوجوانان مردودی در کانون‌های اصلاح و تربیت، ندامتگاه‌ها و محیط زندان‌ها سهیم و مسئول هستیم. ما، یعنی همه کسانی که آشنا به مسائل تعلیم و تربیت هستند، ما یعنی همه کسانی که دست‌اندرکار برنامه‌ریزی و مدیریت نظام آموزش و پرورش کشور هستند، و ما یعنی همه آنان که می‌توانند برای حفظ، نگهداری، تربیت و هدایت همه نوجوانان، با ظرفیت‌های هوشی متفاوت، در محیط‌های آموزشی و پیش‌گیری از اخراج از مدرسه و ممانعت از آسیب‌پذیری‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی ایشان تدبیری بیندیشند و اقدامی بکنند، اما به دلایلی دچار قصور و تقصیر می‌شوند.

یافته‌های تحقیقات انجام شده درباره علل زیستی، شناختی، روانی، خانوادگی و اجتماعی پدیده مردودی می‌تواند دستمایه کار کارشناسی در حوزه‌های مختلف وزارت

منطق استوار باشد که هیچ دانش آموز یا کودک و نوجوان سن مدرسه (۶ تا حدود ۲۰ سال) تحت هیچ شرایطی از نظام آموزش و پرورش رسمی کشور کنار گذاشته نشود و از گردونه اکتساب‌های آموزشگاهی خارج نگردد. این امر می‌تواند با اتخاذ تدابیر بایسته و انجام اقدامات شایسته‌ای هم چون تعمیم آموزش و پرورش ویژه، تدارک و گسترش آموزش‌های کاربردی^۷ برای نوجوانان سنین راهنمایی، تجدید نظر در محتوای دروس و کتاب‌های درسی و حذف بسیاری از مطالب و موضوعات غیر ضرور و غیر کاربردی توسط یک شورای علمی، کاهش حجم و تراکم کتب درسی و تعدیل در ساعات آموزشی، منطقی نمودن ارتباط و پیوستگی دروس در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و متناسب کردن سطوح آموزشی با وضعیت شناختی و ظرفیت هوشی کودکان و نوجوانان دارای بهره هوشی متوسط (۸۵-۱۱۵)،^۸ بازنگری عمیق در نظام آموزشی موجود، تجدید نظر در روش‌های تدریس، بهره‌گیری از معلمان متخصص، معهد و دلسوز و آشنا به مبانی روان‌شناسی تربیتی با حداقل تحصیلات کارشناسی ارشد در مقطع راهنمایی، برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای اولیا و مربیان نوجوانان سنین مدرسه در زمینه روش‌های یادگیری مؤثر، ایجاد فرصت‌های لازم برای پویایی ذهنی، خلاقیت‌های فکری دانش‌آموزان در ساعات حضور در مدرسه، ایجاد و تقویت نگرش‌های مثبت، خوشایند و پویا در کودکان و نوجوانان سنین مدرسه نسبت به موقعیت‌های یادگیری و شخصیت معلمان و مدیران مدارس و غنی ساختن انگیزه‌های تلاش بیشتر در ایشان، بهره‌مندی مؤثر از وجود

روانی و اجتماعی پدیده مردودی، امکان چنین پیش‌بینی علمی را فراهم می‌کند.

اینک که در ماه‌های آغازین سال تحصیلی جدید (۷۹-۱۳۷۸) هستیم، با جرأت علمی و اطمینان پژوهشی می‌توان پیش‌بینی کرد که بیش از ۹۰ درصد دانش‌آموزانی که در مهرماه امسال با معدل کم‌تر از ۱۳ وارد مقطع راهنمایی شده‌اند، چنانچه تدابیر خاص و فوق‌العاده‌ای اتخاذ نگردد، با ناکامی‌های تحصیلی و مردودی مواجه خواهند بود. هم چنین آن دسته از کودکان دبستانی که بر اساس نتیجه حاصل از آزمونگری دقیق هوشی، با ابزارها و مقیاس‌های معتبر، با بهره هوشی کم‌تر از ۹۰ وارد دوره راهنمایی شده‌اند، به رغم قبولی در پایه پنجم ابتدایی، در مقطع راهنمایی دچار افت تحصیلی جدی و مردودی‌های پی‌درپی خواهند شد و این مسأله در اواخر سال تحصیلی جاری توسط بعضی از مسئولان آموزش و پرورش اعلام خواهد گردید و اگر اقدام جدی، علمی و منطقی توسط کارشناسان مجرب و متخصصان بصیر و به دور از شعارها، جدای از عمل‌زدگی‌ها و آزاد از تعصب‌های بی‌جا صورت نگیرد و تدابیر ویژه‌ای توسط مسئولان آموزشی اتخاذ نگردد، باز هم در اواخر تابستان و یا اوایل مهرماه سال ۱۳۸۰ شاهد اعلام آمارهای تکان دهنده در ارتباط با کثرت تجدیدی‌ها و مردودی‌ها، بالاخص در مقطع راهنمایی خواهیم بود.

چه باید کرد؟

اصلی‌ترین گام و اساسی‌ترین اقدام در مورد حل معضل یاد شده باید بر این محور و این

خاضعانه انتظار دارد که با نگرشی دوباره به این مهم، نظام تعلیم و تربیت جامعه ایران اسلامی را از گزند آفات مردودی‌های ناشایست و اخراجی‌های نابایست مصون سازند و زمینه مساعدتر برای رشد مطلوب شخصیت، پویایی فکری، خلاقیت‌های ذهنی و نوآوری‌های علمی نوجوانان و جوانان کشور را فراهم نمایند. والسلام.

غلامعلی افروز

روانشناسان حاذق و مشاوران مجرب و تمام وقت در مدارس، حسن تأمین نیازهای عاطفی و بهداشت روانی نوجوانان و افزایش احساس خودپنداره مثبت، خودباوری و احساس خودارزشمندی در آن‌ها، استفاده از مدیران تحصیل کرده و مجرب و آشنا به مبانی روان‌شناسی تربیتی و مدیریت آموزشی با پایه تحصیلات حداقل کارشناسی ارشد در اداره مدارس و ده‌ها اقدام مؤثر دیگر انجام پذیرد.

نویسنده این مطالب از محضر وزیر محترم آموزش و پرورش و همکاران ارجمند ایشان و همه صاحب‌نظران و متخصصان و پژوهشگران عرصه‌های روان‌شناسی و تعلیم و تربیت

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- در همین ارتباط چندین رساله کارشناسی ارشد به راهنمایی نگارنده این مقاله و بعضی از همکاران دانشگاهی در سال‌های اخیر و در مناطق مختلف کشور انجام پذیرفته است.
- ۲- نگارنده این مسأله را ضمن انجام تحقیقات، ارائه اطلاعات و یافته‌های موثق، حداقل در ده سال گذشته خدمت وزیران محترم آموزش و پرورش و بسیاری از معاونان ایشان در جلسات حضوری و به صورت فردی و جمعی معروض داشته است.
- ۳- روزنامه همشهری، سه شنبه، ۶ مهر ۱۳۷۸.
- ۴- ۴۸/۱۲ درصد
- ۵- (SCHOOL AGES) در اغلب کشورها مسؤلیت هدایت و حمایت از کودکان و نوجوانان سنین مدرسه (۶ تا ۲۰ سال) بر عهده وزارت آموزش و پرورش است، ولو این که یک فرد چندین سال هم دچار شکست‌های پی‌درپی تحصیلی شده باشد.
- ۶- مطالعات انجام شده در کانون اصلاح و تربیت تهران نشانگر این حقیقت است که درصد چشمگیری از نوجوانان بزهکار، تجاری از شکست‌های تحصیلی و مردودی‌های پی‌درپی و و رانده شدن از مدارس را دارند.

7- FUNCTIONAL TEACHING

- ۸- قریب به ۷۰ درصد جمعیت هر جامعه در محدوده هوشی ۱۱۵-۸۵ قرار دارند.